

تفریحات سالم !

* سرگرمیهای خطرناک !

* ساختن «سینما» در پناه سر نیزه !

* مصالح عالیه مملکت چه اقتضا میکند ؟

* * *

سرگرمیهای خطرناک و مسمومی که تحت عنوان «تفریحات سالم» ؛ روز بروز در مملکت ما توسعه پیدا میکنند باردیگر ما را بیاد این حقیقت میاندازد که در عصر مانده تنها طرز زندگی روزانه و وسائل زندگی دگرگونی پیدا کرده ، بلکه الفاظ و مفاهیم هم از این دگرگونی برکنار نمانده و میرود که در بسیاری از موارد در نقطه مقابل مفاهیم اصلی استعمال شود !

شکی نیست که انسان در خلال زندگی روزانه محتاج تفریح و استراحت است؛ و هر قدر بارزنگی سنگین تر باشد این احتیاج بیشتر احساس میشود .

روی همین حساب در عصر پر آشوب ما که معدل وزن بارزنگی نسبت بگذشته که مردم زندگی ساده و آرامی داشتند تفاوت فاحشی پیدا کرده و فشارهای خردکننده روحی و جسمی بیشتر است ؛ این احتیاج هم بهمان نسبت بیشتر خواهد بود .

البته این مطلب تازه ای نیست که ما یا معاصران ما بکشف آن نائل شده باشیم ؛ این يك احتیاج فطری و طبیعی است که از آغاز مورد توجه بشر بوده است و لذا همواره متناسب زمان و مکان و وسائل سرگرمی و تفریح برای خود فراهم میساخته اند .

ادیان آسمانی هم که مکمل و راهنمای فطرت است هرگز نخواستند است جلو این احتیاج طبیعی را سد کنند بلکه خواسته آنرا رهبری کرده و از انحراف و افراط و تفریط آن جلوگیری کنند .

پیشوای بزرگ ما امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از کلمات قصار خود صریحاً

باین موضوع اشارہ نموده ؛ میفرماید : للمؤمن ثلاث ساعات : فساعة ينجى فيها به وساعة يرمعها شه وساعة يخلى بين نفسه وبين لذتها فيما يحل ويحرم يعني ؛ مرد با ایمان اوقات شبانه روز خود را بسه قسمت تقسیم میکند ، قسمتی برای مناجات با پروردگار ؛ قسمتی برای تأمین معاش و سر و صورت دادن بوضع زندگی ؛ و قسمتی هم برای لذات حلال و سالم قرار میدهد (۱) .

حتی در پاره ای از کلمات پیشوایان بزرگ اسلام باین حقیقت نیز اشارہ شده کہ قسمت سوم (تفریح حلال و سالم) نیرو و نشاط انسانرا برای انجام دو قسمت اول و دوم تأمین میکند و از اینرو انسانرا در انجام آن دو وظیفه حساس یاری مینماید .

از این تعبیر بخوبی استفاده میشود کہ «تفریح» هرگز نمیتواند هدف اصلی زندگی باشد بلکه وسیله ای برای تجدید نشاط و نیرو برای فعالیت های دیگر زندگی است و این یک اصل اساسی است کہ باید در انتخاب نوع تفریح و سرگرمی و کمیت و کیفیت آن مورد توجه خاص باشد .

* * *

اینها همه مطالبی است روشن و غیر قابل انکار . مطلبی کہ باید روی آن بحث نمود اینست کہ با نهایت تأسف در عصر ما - و مخصوصاً در کشور ما - از هیچ موضوعی باندازه این موضوع سوء استفاده و بهره برداری غلط نشده است .

غالب انحراف های اخلاقی و مناسد اجتماعی و بهم ریختگی خانواده ها و بروز بسیاری از حوادث و جنایات و حشمتناک کہ هم روزہ زیب صفحہ حوادث روزنامه هاست ؛ مولود همین سرگرمی های مسموم و ناسالم است کہ بدروغ تحت نام «تفریح سالم» ؛ بخورد این مردم داده میشود .

افسوس کہ در محیط ما هیچ چیز آمار و حساب معینی ندارد (مخصوصاً اموری کہ مربوط بجنبه های معنوی و اخلاقی است) . اگر آمار روشنی از وضع مفاسر و روز افزون اجتماعی داشتیم مثلاً میتوانستیم بفهمیم کہ چند درصد از کسانی کہ دست بقتل و جنایت میزنند فیلم های جنائی را دیده و از آن الهام گرفته اند ، یا اینکه کسانی کہ مرتکب تجاوزهای ناموسی میشوند تا چه اندازہ تحت تأثیر رمانها و فیلم های عشقی بوده اند ، و یا اینکه افرادی کہ مرتکب دزدی و سرقت میشوند تا چه اندازہ با داستان های پلیسی علاقه داشته اند ؟ آنگاه روشن میشد کہ این عوامل کہ جزء سرگرمیها و تفریحات سالم ؛ محسوب میشود تا چه اندازہ در بروز این حوادث و سقوط اخلاقی اجتماع مؤثرند .

راه دورنرویم همین «سینما» که امروز یکی از وسائل تفریح شمرده میشود و بعضی از سودجویان و پولپرستان با کمال وقاحت عنوان «سالم» هم بر آن میگذارند، و از آن بالاتر گاهی عنوان «مؤسسه فرهنگی»! هم میدهند، امروز بچه وضع رسوائی افتاده و چه بدبختی هائی مخصوصاً برای نسل جوان بیار آورده است؟

صحیح است که سینما مانند خیلی چیزهای دیگر میتواند بعنوان يك وسیله تربیتی و فرهنگی مورد استفاده واقع شود؛ اما کیست که نداند که این وسیله امروز در مملکت ما از بدترین عوامل نشر فحشاء و فساد اخلاق شده است.

مهیج ترین صحنه های عشقی که حتی و پیران پارسا، و «اطفال نابالغ» را تحریک میکند بروی پرده آورده میشود و دقیقترین رموز عشقبازی و خطرناکترین لُرز جنایت، جاسوسی؛ دزدی و... بتماشایان میآموزد.

آری اینست معنی «تفریح سالم»! و «مؤسسه فرهنگی» در محیط ما!

مصیبت بزرگ اینجاست که اکثر مشتریهای سینما - مخصوصاً اینگونه فیلمها - جوانها و اطفالی هستند که نه قادر یک کنترل اعصاب خود هستند و نه تربیت صحیحی دارند و آماده پذیرفتن هر گونه تعلیمی میباشند.

من راستی خجالت میکشم بعضی از صحنه هائی را که بعنوان آگهی سینمایی در همین روزنامه های کثیر الانتشار عصر تهران (برای خاطر درآمد هر چه بیشتر!) چاپ میشود تشریح کنم؛ و بزحمت میتوانم تصور کنم که وقتی اینگونه صحنه ها - مخصوصاً با آن صورت زنده و جاندار و پررنگ که روی پرده سینما مجسم میشود - نمایش داده میشود چه نوع احساسی در بینندگان بوجود میآورد؟

*** * * * * *

البته ما با گردانندگان پولپرستان این سینماها که همه چیز را فدای مطامع خود میکنند، و هیچ قید و شرطی هم برای جمع ثروت قائل نیستند، کاری نداریم؛ یعنی نمیتوانیم کاری داشته باشیم؛ زیرا هر نوع بحث و گفتگو با آنها بیهوده است.

برای آنها الفاظی از قبیل: شرافت، فضیلت، اخلاق، انسانیت؛ سر بلندی اجتماع و آبروی مملکت، رسماً موهوم و قالبهای بی روحی است، آنها این مطالب را در پول کلان؛ ثروت بی حساب؛ کاخها و آپارتمانها، زنان زیبا و سایر وسائل هوسرانی جستجو میکنند و جز این هم در زندگی هدفی ندارند. حساب آنها روشن است.

همچنین با آن عده از جوانانی که چشم و گوش بسته مشتری بی قید و شرط این فیلمها هستند کار نداریم؛ زیرا صدای ماهر گز بگوش آنها نمیرسد، تازه اگر هم برسد این صدا در برابر

آن‌ها هوای عظیم فیلم‌های باصطلاح جنجالی و پرغوغا آنقدر ضعیف است که کمترین اثری در آنها نمیگذارد

روی سخن ما فعلاً با آن عده از شاغلین پست‌های حساس دولتی است که رسماً از این مراکز حمایت میکنند؛ بلکه گاهی شخصاً دست بساختن سینما؛ سینمایی که وصفش چنین است در نقاط مختلف حتی در نقاطی که از بدوی‌ترین وسائل زندگی؛ آب و نان و فرهنگ و بهداشت حتی در یک سطح نازل بی‌بهره‌اند، میزنند؛ باید دید این آقایان چرا دست باین اقدام خطرناک میزنند؟

لابد شنیدید که چندی قبل در کاشان که شهری است نسبتاً سالم و از مفاسد اجتماعی فعلی تا اندازه‌ای برکنار مانده؛ عده‌ای سودجو تحت حمایت سر نیزه مامورین انتظامی میخواستند دست بتاسیس سینمایی بزنند که خوشبختانه اهالی بیدار آنجا بموقع باخبر شدند و با تعطیل عمومی شهر و ابراز تنفر دست جمعی از تاسیس چنین مرکزی که در شرائط فعلی نامی جز «لانه فساد» نمیتوان بر آن گذارد؛ جلوگیری کردند و عطایش را بلباقیش بخشیدند و از این تفریح سالم صرف نظر نمودند.

سرمداران کار هم وقتی دیدند قضیه کم‌کم دارد بیخ پیدا میکند مطلب را در زگرفتند و در انتظار فرصت مناسبتری ساعت‌شماری میکنند.

یا اینکه در آبادان که اخیراً میخواستند در یک منطقه پر جمعیت شهر در میان چند مدرسه و چند مسجد؛ سینمای تازه‌ای افتتاح کنند اهالی که از نتایج شوم این وسیله تفریح سالم ۱۰۰ با خبر بوده و آثار سلامت آنرا بچشم خود دیده بودند سیل اعتراض خود را بصورت طومارهای مفصل و تلگرافات و نامه‌ها متوجه تمام دستگاهها کردند؛ و فریاد خود را بگوش ناشنوای اولیاء امور رساندند.

روزی این درد دل را بایکی از دوستان کردم او میگفت: ای آقا! عقلای قوم لابد فکری برای این موضوع کرده‌اند که از این وسیله نشر فساد اخلاق باین صورت حمایت میکنند؛ شما متوجه نیستید، آنها برای حفظ «مصالح عالیه»؛ که خیلی از کارها بخاطر آن انجام میشود این کار را میکنند.

این مردم، این جوانها؛ این بچه‌ها؛ اگر وسیله سرگرمی نداشته باشند پایشان بیجلسات سیاسی باز میشود کم‌کم در دام تبلیغات کمونیست‌ها میافتند یا جزء بعضی دسته‌های سیاسی دیگر! میشوند و هر روز اسباب درد و سر و زحمت تازه‌ای فراهم میکنند.

اینها وسیله سرگرمی میخواهند، وسیله‌ای که اوقات فراغت و بیکاری آنها را کاملاً

اشغال کند و فکرشان اینطرف و آنطرف نرود؛ ملتفت میشوید چه میگویم؟ اگر چشم و گوش اینها در مسائل مختلف زندگی زیاد اذ حد! باز شود فردا میخوانند در همه چیز دخالت نمایند و فصولی کنند! گفتیم: این عقیده شما اولی هر کسی عقیده ای دارد؛ اجازه بدهید من هم عقیده ام را عرض کنم عقیده ما درست عکس اینست؛ ما تصور میکنیم (و مصالح عالیه، مملکت ایجاب میکند که با هر نوع وسیله فساد اخلاقی عمومی (بهر نام و بهر عنوان که باشد) مبارزه شود تا نسل جوان از این سقوط اخلاقی نجات یابد.

جمعیتی که اصول اخلاقی و ایمان را از دست بدهند بیش از همه آماده پذیرفتن مرامهای خطرناک هستند، با سانترین وجهی حاضرند با بیگانگان همکاری کنند برای آنها نه استقلال مفهومی دارند و نه مملکت و نه سر بلندی و سعادت؛ آنها فقط وسایل اشباع شهوات پست خود را می پرستند، اینگونه افراد از همه خطرناک ترند.

و انگهی مهمترین ذخیره آینده این اجتماع و این ملت همین نسل جوان است؛ وقتی جوانها در سراسر شبی سقوط اخلاقی افتادند افرادی عاقل و بی مصرف و هرزه و بی خاصیت خواهند شد و هرگز نمیتوانند رسالت بزرگ خود را در حفظ این آب و خاک و شرافت و استقلال این مملکت حفظ کنند. باید دید چه عواملی آنها را بسوی دستجات مختلف سیاسی میکشاند، فکری برای درمان آن دردها کرد نه اینکه آنها را در دام این سرگرمیهای خطرناک انداخت این عاقلانه نیست که بیمار خطرناکی را با قرصهای مسکنه مسمومی مداوا کنیم؛ دود این کارها در چشم همه می رود! این بود عقیده ما؛ تا عقیده شما خوانندگان گرامی در این باره چه باشد؟

مناجات با خدا

امیر مؤمنان (ع) سه کلمه در مناجات با خدا گفت که در ضمن آنها چشمه های

بلاغت را جاری ساخت و هر يك از آنها گوهری است عالی و گرانبها :

۱- > اللهم كفى لي عزا ان اكون لك عبداً پروردگارا این عزت

برای من کافی است که بنده تو میباشم <

۲- > اللهم كفى لي فخرا ان تكون لي ربا بارها این افتخار برای

من بس است که تو پروردگار من باشی. <

۳- > انت كما احب فاجعلني كما تحب خدا یا تو آنچنان هستی که من

(خصال صدوق)

میخواهم مرا هم آنچنان کن که تو میخواهی